این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

حسی که هیچ کجای عالم پیدا نمی‌شود

شیخ جعفر ناصری:

اصحاب حضرت سیدالشهدا(ع) اینکه حالا مشهور است که می‌گویند تیغ، نیزه، سنگ و ابزاری که دشمن به سمت اینها پرت می‌کرد، اینها احساس درد نمی‌کردند، نه اینکه اینها حس‌شان باطل شده باشد.

یک نمونه قرآنی عرض کنم، یوسف (ع) وقتی وارد شد در فضای میهمانی زلیخا، زن‌های اشراف مصر را زلیخا دعوت کرده بود. مخصوصاً زن میهمانی برود خیلی حواسش است. کلاس کار به هم نخورد. میوه برای اینها آورده بود. چاقو بود. برداشتند، ولی ورود حضرت یوسف (ع) با اینها چه کار کرد که شروع کردند دست‌شان را ببرند؟ (یوسف، ۳۱)

نه اینکه انسان احساس درد نکند. گاهی یک حس عیان و یک درک مضاعف و یک عشق الهی غلبه می‌کند و آن حس طبیعی بدن، تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

لباس‌هایش را در می‌آورد در جنگ می‌گوید که من را می‌ترسانید از سنگ انداختن بزنید. به او گفتند تو خودت شجاع بوده‌ای، اهل جنگ بوده‌ای، مگر دیوانه شده‌ای لباس‌هایت را در می‌آوری؟ زره‌ات را در می‌آوری. کلاهخودت را کنار می‌گذاری. گفت «حُبُّ الحُسَینِ اَجَنَّنی» اگر دیوانه هم شدم، دیوانه عشق حسین هستم. این الگو، این اسوه، این مقام، این مرتبه هیچ کجای عالم پیدا نمی‌شود.

کانال رسمی حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌شیخ جعفر ناصری

اعتقاد عجیب شهید بهشتی به هیئت حتی در دل اروپا و در مسجدی نیمه تمام!

کانال تلگرامی شهید بهشتی در تلگرام نوشت: تصمیم گرفتیم سه شب در خود مسجد مراسم بگیریم؛ لذا در شب‌های تاسوعا و عاشورا و یازدهم، جلسه سخنرانی و سوگواری را در همان ساختمان مسجد نیمه تمام سفیدنشده و کم نور برگزار کردیم. دوستان ابتدا مخالف بودند و می‌گفتند: «اینجا اروپاست! کسی نمیاد!»

اما من اعتقاد دیگری داشتم و می‌گفتم: «اگه کسی برای بحث‌های مفید و اظهار ارادت به سالار آزادگان اسلام و پیشوای بزرگ حسین بن‌علی(ع) و یاران فداکارش می‌خواد بیاد، اینجا هم میاد. ناراحت نباشید.»

دوستان با اینکه ناچاراً پذیرفتند، اما در بحث اجرایی روی نظر خودشان پافشاری می‌کردند و به تعداد ۱۰۰ صندلی بسنده کردند، اما من مخالفت کردم و گفتم: «۱۵۰ صندلی باشه.»

جواب دادند: «ما سابقه داریم که تو این جلسات، ۶۰ یا ۷۰ نفر بیشتر نمیان.»

-احتیاط که عیبی نداره. فقط پول بیشتری برای کرایه صندلی میدیم.

برخلاف پیش‌بینی دوستان، در شب دوم صندلی‌ها کم آمد و ناچار شدند تعداد بیشتری سفارش بدهند. کمکم برادران و خواهران مسلمان در هامبورگ به این شرایط عادت کردند و گفتند: «در مسجد نیمه تمام هم فعلاً می‌شود دور هم جمع شد!»

ناگفته نماند تبلیغات‌مان نیز بی‌تأثیر نبود.

فرزند بی‌نهایت، خاطرات خود گفته شهید بهشتی به انضمام روایت‌هایی از دیگران، ج یک، ص ۱۸۶

با درد گردن چه کنم؟!

کانال طب شیعه در ایتا نوشت: کمتر بزرگسالی است که درد گردن را تجربه نکرده باشد و کم نیستند کسانی که از درد مزمن گردن رنج می‌برند. طبیعتاً اگر کسی به دنبال رفع این مشکل است باید تقویت عضلات گردن و پرهیز از بدخوری و فشار به گردن را در دستور کار خود قرار دهد.

اگر از درد گردن رنج می‌برید باید بدانید که بدخوری (اعم از پرخوری، خوردن بدون اشتها، خوردن چند نوع غذا در یک وعده، سریع خوردن و خوب نجویدن غذا و هر عادت غذایی غلط) می‌تواند اسپاسم و درد عضلات گردن را افزایش دهد، بنابراین سعی کنید روزهایی که کارتان با گردن افزایش یافت و گریزی از خم کردن گردن نداشتید، از بدخوری و گرسنگی طولانی بپرهیزید.

وقتی سر خود را خم می‌کنید فشار وارد بر گردن به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد تا جایی که وقتی زاویه سر از حالت عمود به ۶۰ درجه می‌رسد فشار وارد به گردن هفت برابر می‌شود چنانکه گویی وزنه‌ای ۲۷ کیلویی از آن آویخته‌اند. لذا سعی کنید تا می‌توانید گردن خود را در حالت عمودی نگه دارید؛ مثلاً به جای خم شدن روی گوشی سرتان را به جایی تکیه بدهید و موبایل را تا موازات چشم خود بالا بیاورید.

یک ورزش ساده برای تقویت عضلات گردن:

در حالت ایستاده یا نشسته، شانه راست خود را شل کنید تا پایین بیفتد، بعد سر خود را به آرامی به سمت چپ خم کنید و دست چپ‌تان را روی سرتان قرار دهید و ۱۵- ۳۰ ثانیه نگه دارید. سر را صاف کنید و همین کار را برای سمت مقابل انجام دهید. این کار را دو تا چهار بار برای هر طرف تکرار کنید.

نظر امام موسی صدر درباره حسینیه

محمدعلی جعفری در ایتا نوشت: امام موسی صدر یک حرفی زده که بالاترش نیست. اصلاً ما اسرائیل را شر مطلق می‌دانیم. بدتر از اسرائیل در جهان وجود ندارد. اگر اسرائیل و شیطان با یکدیگر بجنگند، ما در کنار شیطان می‌ایستیم.

حالا که ترامپ قمارباز و نتانیاهوی جنایتکار دست نحس خودشان را رو کرده‌اند جا دارد دوباره این جمله امام موسی صدر را هم بلند بخوانیم: «من حسینیه را حسینیه نمی‌دانم مگر آنکه دلاورانی را برای نبرد با دشمن اسرائیلی فارغ‌التحصیل کند.»

مرحبا به هیئت و سخنرانی که اینچنین عهد خون بسته و برای دشمن خط و نشان می‌کشد!

شوق دیدار امام خامنه‌ای در حسینیه امام‌خمینی (ره) منجر به خلق موجی از احساسات پاک در شبکه‌های اجتماعی شد

طلوع ایمان در شب عاشورا

حضور امام خامنه‌ای در شب عاشورای حسینی در حسینیه امام‌خمینی منجر به دل‌نوشته‌های شوق‌انگیز زیادی در فضای مجازی شد. در ادامه چند قطعه از این دل نوشته‌ها که احساس و شورانگیزی برجسته‌ای دارند و از میان هزاران انتخاب شده‌اند را می‌خوانید.

سیدیاسر جبرائیلی:

در شب عاشورا، شبی که تاریخ قیام کرده تا عظمت انسان را در بلندای خون و انتخاب تماشا کند، سایه‌ای از نور و صلابت در میان دل‌های شکسته و چشم‌های اشکبار در حسینیه‌ای به نام‌خمینی قد علم کرد.

در هنگام‌های که صهیون بر طبل فتنه می‌کوفت و شغال‌ها فریاد می‌زدند که علمدار در پناه است، ناگاه قامت مردی طلوع کرد که واهمه را به زانو درآورده و شب را سحر می‌سازد.

او امشب آمد تا بگوید: هنوز هستند مردانی که وقتی تهمت و تهدید بر سرشان می‌بارد، قامت‌شان خم نمی‌شود. مردانی که سنگرشان، دل مردم است، نه دیوار سیمانی. مردانی که از تبار کربلایند نه ترس و تردید.

او نه در پناهگاه که در میانه کربلای امروز ایستاده بود؛ چون حسین در حلقه یاران. چشم در چشم دشمن، پشت به دنیا رو به حقیقت. مردی که نه بر مسند قدرت، بلکه بر منبر رسالت تکیه زده است. صدای او پژواک پیام خون است، نه سیاست خالی از شرف.

در شبی که کربلا تکرار می‌شود، او آمد تا بگوید که ما هنوز زنده‌ایم که هنوز حسین زنده است که هنوز مرگ با عزت بر زندگی با ذلت ترجیح دارد.

او آمد تا با قامت آرام و چشم‌های مطمئنش، به ما یادآوری کند: اگر روزی خون بر شمشیر پیروز شد، امروز ایمان بر تزویر چیره خواهد شد. آمد تا در شب بلا دل‌ها را آرام کند نه با وعده‌های زمینی، بلکه با ایمان به راهی که از نینوا تا قدس ادامه دارد.

و ما که چشم انتظار حقیقت بودیم، دیدیمش؛ نه چون رهبر یک سرزمین، بلکه چون بقیه راه چون فانوس هدایت در ظلمت‌سرای تاریخ.

این شب دیگر فقط عاشورا نیست؛ این شب، شب میثاق است. میثاق با آنکه آمد تا نشان دهد راه هنوز از کربلا می‌گذرد... و از قلب بی‌پناه‌ترین مردم این زمان تا طلوع صبحی که از دستان همین مظلومان خواهد شکفت.

امشب، دم پایانی هیئت ما این بود:

خون تو پیروزه؛

این همه لبیک گفتیم، واسه امروزه؛

دیگه خیمه‌های کربلا نمی‌سوزه...

محسن مهدیان:

همه لحظات را نداریم

همه نماها را دوربین نگرفته...

اما همان گوش‌های که در قاب بود

زبان بدن، خود معنا بود.

«ای ایران» که آغاز شد،

همه حسینیه یک‌صدا شدند...

تا رسیدند به «ایران عاشورایی» و قاب تصویر که حضرت آقا با مردم سینه می‌زدند.

شعر رسید به: «در روح و جان من میمانی‌ای وطن...»

دوربین روی چهره رهبر ایستاد...

و اشک در چشم‌ها

وقتی خواندند:

«زیر سایه حیدر باشی در امان...»

حضرت آقا دست‌شان را بالا بردند... برای دعا.

و آنگاه که رسید به: «ای ایران خدایی...»

نگاه رهبر، عمیق شد؛

نگاهی فکورانه...

در همان حال

مردم سینه می‌زدند...

گریه، شعف، حزن و حماسه

همه یک‌جا امشب جاری بود.

چه عاشورایی شد...

تماماً معنا.

تماماً ایمان.

تماماً ایران.

مهدی مولایی:

همه رجزخوان‌های این شب‌ها را صدا بزنید. همه کریخوان‌های پوشالی را. همه پهلوان پنبه‌های مجازی را.

همه آنها را که چندهفته توئیت می‌زدند. پیروزمندانه قهقهه می‌زدند. همه آنها که می‌گفتند او رفته. او نمی‌تواند بیاید. او در زیر کوه‌هاست.

بگویید که او خود کوه است. بگویید که خامنه‌ای آمده. به همان موقعیت همیشگی. روی همان زیلوهای آبیاش.

بگویید که شما و کرور کرور اسلاف‌تان در قواره او نیستید. اوست که در برابر هزینه‌های میلیون دلاری شما و پدران نامشروع‌تان، در برابر ردیف ردیف رسانه‌های مزدورتان و در برابر اتاق‌های جنگ زیرزمینی‌تان در سرزمین‌های غصبی، تنها با یک حضور، بی‌آنکه حتی کلمه‌ای سخن بگوید، ورق را برمی‌گرداند و روایت پیروزی خلق می‌کند.

بزرگان‌تان را بگویید که از دست او مشق رزم کنند. حرام لقمگان و اشرار را صدا بزنید و بگویید که او پسر علی است؛ شما پسران که‌هستید؟

سلمان معمار:

جنگ تحمیلی دوم و حمله مستقیم اسرائیل و امریکا آسیب جدی به ما زد، ایران را به لبه پرتگاه برد، هزار شهید گرفت و هنوز هم تموم نشده، اما اگر بپرسید بزرگ‌ترین دستاوردش برای ما چه بود می‌گویم پروژه ۸۰ ساله جداسازی، ایران و اسلام رو به لرزه انداخت. امروز سیدعلی خامنه‌ای پرچمدار یک ایران مسلمان است که عاشورایی می‌ایستند و ای ایران می‌خوانند.

شعبده‌ها ریخت و واقعیت پیدا شد.

«جمهوری اسلامی ایران» در این جنگ معنای متفاوتی برای بدنه جامعه پیدا کرد. امشب (حضور رهبر انقلاب در حسینیه امام‌خمینی) یک نقطه جوش در این تصویر بود. قاب ما.

اشکان خراسانی

فردای روز حمله به پایگاه عین‌الاسد، در نماز جمعه «نصر» و حالا هم عاشورا ۱۴۰۴ در حسینه امام خمینی. در هر سه مورد رهبر ایران برای برهم زدن «معادله وحشت» امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها از جان خود مایه گذاشته.

مانند همه کسانی که در آن ۱۲ روز جان خود را به خطر انداختند تا ایران بماند.

زانو زدن نتانیاهو مقابل اسب شاه ایرانی

تصویر جالبی از یک بیلبورد شهری که به ابتکار شهرداری شیراز در میدان امام‌حسین این شهر برپا شده سوژه‌ای است که این روزها توجه خاصی را در شبکه‌های اجتماعی به خود معطوف کرده است. در این تصویر نخست وزیر اسرائیل مقابل اسب پادشاه ایرانی زانو زده است.

فرمانده شهید موشکی و چرخ هیئت

کانال سدید مدیا در تلگرام نوشت: این بنده خدایی که چرخ هیئت رو هول میده، شهید سردار حاج محمود باقری است! کسی که بالای ۱۵ سال فرمانده موشکی هوافضای سپاه با این همه افتخارات بود.

تجربه عینی سوگواری خواهر برای برادر

برای خواهری که از کودکی با برادر بزرگ‌ترش رشد کرده، نقش «خواهر بودن» فقط یک رابطه ساده نیست، بلکه بخشی از هویتش شده است. پایگاه تبیان نوشت: وقتی برادر با مرگی دلخراش از دنیا می‌رود، خواهر احساس می‌کند بخشی از خودش را از دست داده است.

انقباض روانی و واکنش حسی شدید

در لحظه مرگ برادر، ذهن خواهر به طور خودکار دچار انقباض شناختی می‌شود، یعنی تمرکز شدید روی یک جزء صحنه (مثلاً چشم‌های برادر، خون، صدای افتادن) پیدا می‌کند، در حالیکه بقیه محیط در حاشیه می‌رود یا محو می‌شود. یعنی احساس شنوایی، بویایی و... موقتاً از کار بیفتد.

احساس شکاف وجودی و از هم‌پاشیدگی هویتی

برای خواهری که برادر بزرگ‌تر نقش همراه همیشگی، حامی یا تکیه‌گاه روانی داشته، دیدن مرگ ناگهانی او نوعی شکاف در ساختار هویت شخصی ایجاد می‌کند. ذهن او برای لحظاتی، توانایی تشخیص مرز بین «من» و «او» را از دست می‌دهد. این تجربه، در ادبیات روانشناسی با عنوان identity relational of dissolution شناخته می‌شود: «انگار بخشی از من هم مرد.»

خالی شدن بدن، ته نشین شدن اندام‌ها

بدن دچار افت ناگهانی توان عضلانی می‌شود. کف پا، شکم و زانوها سنگین یا خالی می‌شوند. ممکن است لرز ناگهانی یا گرگرفتگی شدید، بدون تغییر دمای محیط ایجاد شود. این واکنش، ناشی از شوک سیستم عصبی سمپاتیک است.

فعالسازی حافظه تصویری ناخواسته

ذهن، بی‌وقفه مشغول ضبط و ثبت عناصر تصویری صحنه می‌شود، بعدها، این تصاویر به شکل فلاشبک، کابوس یا اختلال تمرکز بازمی‌گردند. خواهر ممکن است بارها و بارها لحظه خاصی از مرگ را بازسازی کند: چشم‌ها، حرکت آخر، صدا، یا جزئیات بدن.

ناتوانی در واکنش هیجانی مشخص

در لحظه واقعه، خواهر ممکن است نتواند گریه کند، فریاد بزند یا حرفی بزند. نه به دلیل ضعف یا شوک صرف، بلکه به خاطر درگیری شدید سیستم عصبی با سازماندهی داده‌های حسی و احساسی. این نوع «فلج هیجانی» گذرا، اما عمیق است. همچنین ادراک زمان دچار اختلال می‌شود؛ ممکن است چند ثانیه بسیار کشدار یا کاملاً ناپدید شوند.

تجربه احساس گناه بازمانده

ذهن ممکن است به سرعت وارد فاز جایگزینی شود. افکاری از جنس: «کاش من جای او بودم»، «چرا او رفت و من ماندم؟» این نوع احساسات در روابط عاطفی نزدیک رایج است، حتی اگر کاملاً غیرمنطقی باشد. در روانشناسی به آن گناه بازمانده (survivor guilt) گفته می‌شود.

فروپاشی همزمان تصویر روانی گذشته و آینده

برخلاف مرگ‌های تدریجی، مرگ دلخراش ناگهانی در برابر چشم، باعث می‌شود حافظه بلندمدت دچار اختلال موقت شود. خواهر ممکن است دچار ناتوانی در به خاطرآوردن خاطرات خوب با برادر شود یا نتواند آیندهای را بدون او تصور کند. این وضعیت به صورت «تختشدن روانی زمان» تجربه می‌شود.

واکنش شدید بدنی در ساعات اولیه

پس از حادثه، بدن ممکن است دچار علائم زیر شود: بی‌خوابی همراه با هوشیاری مفرط؛ تهوع یا بی‌اشتهایی شدید، لرزش اندام‌ها بدون سرما، سردی دست‌ها و پاها، تپش قلب یا درد قفسه سینه. در نبود علل جسمی، این نشانه‌ها مستقیماً با فعال ماندن سیستم واکنش سریع مغز و بدن به شوک مرتبط هستند.

خدا در شهریور ۱۳۲۰ با ایرانیان نبود؟!

علیرضا زادبر در فضای مجازی نوشت: برخی این روزها در تحلیل غلط می‌گویند کشور را ملت به تنهایی و لطف خدا در جنگ با اسرائیل حفظ کرد. شکی نیست. بدون اراده خداوند محال است، اما آیا در شهریور ۱۳۲۰ که ایران اشغال شد و شاه مملکت را اخراج کردند خدا با ملت ایران نبود؟ در جنگ جهانی اول که اشغال شدیم و میلیون‌ها نفر در قحطی بزرگ کشته شدند، خدا با ملت ایران نبود؟ در تمامی جنگ‌های بزرگ با روس‌ها که منجر به شکست ایران و جدایی بخش‌های وسیعی از ایران شد، خدا علیه ملت ایران بود؟

خیر؛ خدا اراده‌اش را به اسباب، امور و وسیله محقق می‌سازد. سنت الهی است که اگر تلاش کنید به نتیجه می‌رسید. حلقه مفقوده ایستادگی مقابل دشمن متجاوز ایستادگی حکومت‌ها بود. اگر ملت می‌خواست مقاومت کند، حکومت‌های ضعیف و خودفروخته توان و انگیزه مقاومت نداشتند. ضلع حکومت، ملت همراه با نصرت خدا به نتیجه ختم می‌شود.

آنچه در این جنگ اسرائیل و امریکا برای تکه تکه شدن ایران و ناامنی برای ملت ما می‌خواست از سقوط حکومت مرکزی قدرتمند عبور می‌کرد. ابتدا باید حکومت صاحب قدرت از بین برود. بدون توان موشکی، بدون رهبری واحد، بدون انسجام آفرینی، بدون سازمان‌دهی چگونه ملت مقابل دشمن ایستادگی کند!؟ تحلیل غلط به مردم می‌دهند تا از ارزش عمل حکومت کاسته شود.

در تاریخ ایران هرگاه حکومت مرکزی تضعیف شده است [مانند امپراطوری صفویه] دود آن به چشم ملت و ایران رفته است.

سلطنت طلبی یا قدرت طلبی

کانال دکتر بیژن عبدالکریمی در تلگرام به نقل از دکتر برزویه نجی نوشت: در چند روز اخیر ویدیوئی از سخنرانی شاه دیدم که با اشاره به دو بار اشغال ایران در جنگ‌های بین‌الملل اول و دوم افزود: این دویی است که سه نخواهد شد، مگر از روی نعش ما.

ویدئوی دیگری از اردشیر زاهدی دوست، داماد و به قول خودش نوکر شاه در دست است که نظر می‌دهد کسی که می‌گوید بمب بر ایران بریزید شرف ندارد و نمی‌توان او را ایرانی به حساب آورد.

فارغ از بحث اینکه دوران سلطنت محمدرضا شاه چگونه گذشت و بر کارنامه او چه نقدهایی وارد است و چه دستاوردهایی داشته است، آنچه بدیهی است این است که گرایش به ساختار سلطنت به مفهوم پدرسالارانه کهن ایرانی با پذیرفتن تسلط و تفوق بیگانه بر کشور و میهن قابل تجمیع نیست، چه برسد به بیگانه‌ای که پرونده گشوده‌ای در پیش چشم جهانیان از جنایات جنگی دارد که روزانه به برگ‌های آن افزوده می‌شود.

اقدامات شنیع و مهوع رضا پهلوی در جنگ تحمیلی اخیر که نمود واقعی آن را می‌توان در چهره مشمئز شده مجری تلویزیونی غیر ایرانی که از او در مورد موافقتش با حملات پرسید نمایان است که چیزی جز به مسلح فرستادن هم میهنانش نبود، اساساً رابطه‌ای با سلطنت طلبی ندارد و عریان‌ترین صورت کریه قدرت طلبی است.

حتی بر اساس قانون اساسی منقرضه مشروطه که تنها دستاویز جایگاه متمایزی است که وی برای خودش بر می‌شمارد شاه باید به قید سوگند «تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارد» و «منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشد.» فارغ از اینکه چقدر پادشاهان چهارگانه عصر مشروطه به این سوگند پایبند مانده یا در ایفای آن موفق بوده‌اند، تاریخ ما به یاد ندارد که هیچ یک از سلاطین یا مدعیان سلطنت چنین وقیحانه دشمن متجاوز را به کشتار ملت ایران ترغیب و از آن دفاع کرده باشند.

خلاصه عرایض اینکه نه تنها رضا پهلوی و طرفدارانش نشان دادند که بر عکس ادعاهای گزاف‌شان سلطنت‌طلبی برای‌شان مسیر قدرت طلبی است، بلکه به زعم بنده اذعان شفاف و علنی و مکرر وی به همراهی و همسویی با دشمن متجاوز با سلب بقایای پسمانده شأنیت وی، نقطه پایانی است بر سلطنت طلبی به عنوان یک گرایش سیاسی و آخرین رشته‌های آن با واقعیت سیاست امروز بریده و آن را برای همیشه به حیطه تاریخ سپرده است.

گذار به قطعه ۴۲ بهشت‌زهرا

مهدی عامری در تلگرام نوشت: ۴۲ برای ما ایرانی‌ها نقطه عطف تاریخ است. از همان سال نهال نهضت خمینی غرس شد و با خون‌های پیر و جوان و زن و مرد آبیاری شد تا به درخت تناوری تبدیل شود که ثمره آن بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب تاریخ بود!

امروز قطعه ۴۲ بهشت‌زهرا به عصاره تاریخ و جغرافیای ایران تبدیل شده است! شهید کنار شهید. زن و مرد و پیر و جوان و نوجوان و کودک!

سردار، مهندس، خانه‌دار، بسیجی، دکتر، کارمند، کارگر، دانشجو، دانش‌آموز، عضو هلال‌احمر، پاسدار، چادری، مانتویی، یک ملت در قطعه ۴۲ گرد هم آمده‌اند!

روشن است، دشمن به ایران و ایرانی با وحشیگری یورش آورده است. از همه اقشار و مردم ایران در اینجا حضور دارند! اتحاد و انسجام ملی.

در همسایگی قطعه ۴۲، یادمان شهدای ۷تیر و ۷۲تن است. راهکار دشمن زبون ملت ایران همچنان ترورهای ناجوانمردانه است. روزی بافرقه تروریستی منافقین و امروز به وسیله باند جنایتکار صهیونی!

آن روز پنداشتند با حذف رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و نمایندگان مجلس، ایران از پا در می‌آید، اما ایران قدرتمند شد و تروریست‌ها آواره! سرنوشت تروریست‌های کودک‌کش و نخبه‌کش از آنها تاریک‌تر خواهد شد.

برای تربیت فرزند کافیه دل بدید به خیمه حسین

کانال آرامش با روانشناسی اسلامی در ایتا نوشت: پدر و مادرای عزیز، اگر می‌خاید فرزندانی آزاده و باغیرت و شجاع و همه چی تموم تربیت کنید: فقط کافیه دل بدید به خیمه حسین.

بچه‌ها نگاه می‌کنند ببینند بابا و مامان و داداش بزرگه و آبجی بزرگه از چی خوششون میاد و برای چی ذوق می‌کنند؟ حتماً اونها هم عاشق اون چیز میشن.

چکار کنیم؟

برای هیئت، موکب، مداحی، سینه‌زنی، اسم حسین، اسم عباس، اسم کربلا، رهبر، خامنه‌ای، وطن، کشور، شهید و... ذوق کنید.

تصویر منتخب

مشعل گردانی عراقی‌های مقیم تهران